

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش
شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲، ویژه سیره و تاریخ اسلام

حج‌گزاری ایرانیان در دوره ضعف و زوال صفویان

تاریخ تأیید: ۹۲/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۵

معصومه کامکار*

چکیده: در دوره صفویه، سرزمین مکه تحت سیطره عثمانیان سنی مذهب بود و ایرانیان شیعی بر آن تسلطی نداشتند؛ ایرانیان هر ساله برای رفتن به حجاز و انجام این فریضه دینی، باید از قلمرو عثمانی عبور کرده، تا به سرزمین وحی برسند؛ دولت عثمانی و اختلاف آن با دولت صفوی، حج را به عرصه اختلافات شیعه و سنی تبدیل کرده بود. انجام حج توسط ایرانیان شیعی، همواره با دشواری‌هایی مواجه بوده و مواقعی از سوی دولتین محدود و یا ممنوع می‌شد. هدف این مقاله بررسی کم و کیف فریضه حج در پرتو مناسبات ایران و عثمانی، در دوره ضعف و زوال حکومت صفویه است.

واژه‌های کلیدی: مکه، حج، صفویه، عثمانی

مقدمه

کعبه، مرکز نشر توحید و کانون اتحاد، میان مسلمانان است؛ مسلمانانی که هر کدام دارای مذهب و فرقه و فرهنگی متفاوت هستند و از آنجا که ابتکار رسول اکرم ﷺ در نصب حجرالاسود، خصومت‌های قومی و قبیله‌ای را به اتحاد و برابری و برادری تبدیل کرد، از این جهت، ندای اتحاد و هماهنگی، از این بنای الهی به گوش می‌رسد و تأمل در آن بیت خدایی نشان می‌دهد که کعبه ستون استقامت و مقاومت در برابر شرک و الحاد و زبان آزادی در مقابل هر گونه بردگی و استعباد است.

در دوران قبل از اسلام یکی از مهمترین شهرهای شبه جزیره عربستان که گروه‌های مختلف مردم را به سوی خود می‌کشاند، شهر مکه بود. این شهر به علت قرار گرفتن بر سر راه‌های تجاری و همچنین وجود خانه خدا که توسط حضرت ابراهیم ﷺ و فرزندش اسماعیل ﷺ در آنجا بنا نهاده شده بود، مهمترین محل تجمع و گردهم‌آیی اعراب در شبه جزیره به شمار می‌رفت. در ایام ذیحجه شهر مکه، پذیرای گروه‌های مختلفی از اعراب بود که برای زیارت و بعضاً پرداختن به امور تجاری به این شهر مقدس سفر می‌کردند. با ظهور اسلام، شهر مکه اهمیت ویژه‌ای یافت و داعیه‌داران حکومت در جهان اسلام که با عنوان خلیفه رسول الله ﷺ بر اریکه قدرت تکیه زدند، مثل امویان، عباسیان، سلجوقیان و در دوره‌های بعد، از جمله آنها سلاطین عثمانی که خود را وارث خلفای عباسی دانسته و با تسلط بر سرزمین حجاز و شهرهای مقدس مکه و مدینه، عنوان خادم حرمین شریفین را به خود اختصاص دادند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سنگین دربار، رفاه، تجملات، بی بندوباری، باده‌گساری، فسوق و فساد و خوشگذرانی، مواردی بود که بی حد و حصر، در دربار وجود داشت؛ (صفت گل، ۱۳۸۱، صص ۸۴-۹۲-۹۳-۹۶).

مناسبات ایران - عثمانی و مسأله حج

در دوره شاه صفی، طی جنگ‌های بین ایران و عثمانی، صلح نامه زهاب (قصر شیرین) به وقوع پیوست و به موجب آن، در مورد حجاج و زوآر ایرانی که از قلمرو عثمانی عبور می‌کردند، قید شده بود که با تقاضاهای صفویان مبنی بر کاهش عوارض تحمیلی از حجاج ایرانی به مکه موافقت به عمل آید. (رودلف، ۱۳۸۷، ص ۱۳) و نزدیک به ۹۰ سال، دوره آرامش طولانی بین دو دولت بوجود آمد. منطقه بین‌النهرین که سرزمین امروزی عراق محسوب می‌شود و به لحاظ مذهبی و وجود شهرهای مقدس که در آن اهمیت ویژه‌ای داشت، از ایران جدا شد و ایرانیان برای زیارت و رفتن به مکه و گزاردن حج دچار مشکلاتی شدند که تا دوران قاجار ادامه داشت. (مستوفی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸) در همین دوره یعنی سال ۱۰۴۰ هـ ق، بود که رسماً دولت عثمانی، اعلامیه داد و شیعیان را از شرکت در موسم حج منع نمود. در سال ۱۰۴۲ هـ ق، دوره حکومت شاه صفی اول، در مکه اعلام شد که زائران عجمی - ایرانی حق انجام دادن اعمال حج را ندارند، اما روز بعد گفته شد، امسال حج خود را انجام دهند و از سال دیگر نباید به مکه بیایند و حق حج‌گزاری ندارند. (اوزن چارشلی، ۱۴۰۶، صص ۱۱۵-۱۱۳) در سال ۱۰۴۷، نیز حجاج ایرانی را از حج منع نمودند و به شدیدترین وضعی آنان را از مکه اخراج کرده و اعلام کردند که از سال بعد کسی اجازه ندارد به مکه آمده و حج گزارد. (السنجاری، ۱۴۱۹، صص ۱۸۱-



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آشپز و برید، به هر جهت و علتی، بیشتر از سی سکه طلا، پولی نگیرند و اجازه ندهند که اعراب به حجاج آزار و اذیتی برسانند و نیز حاکم بصره، ملزم شد که حجاج را روز اول یا دوم ذی‌القعده از بصره حرکت دهد و جز به اندازه ضرورت در بین راه معطل ننماید. از آنجا که تصور بر این بود که با قبول همه این شرایط توسط حاکم بصره، دیگر منع حجاج از زیارت خانه خدا پسندیده نیست، شاه ایران، به خواسته حاکم بصره پاسخ مثبت داده و اوامر و فرامین خویش را به خان‌های اطراف و اکناف فرستاد تا کاروان‌ها و قافله‌های حج را مهیای حرکت از راه بصره نمایند و دعوت ابراهیم خلیل را اجابت کرده و در آن مقامات کریمه، برای دولت قائمه صفویه اسماعیلیه، دعا کنند. (همان، صص ۹۴-۹۵)

شاه عباس دوم نامه‌ای بدین مضمون به شریف مکه نوشت:

«از آنجا که خدام بزرگوار عثمانی در رعایت حال حجاج و زائران، بالاخص زواری که اهل سرزمین و شهرهای ایران هستند، تلاش می‌کنند و از هیچ تلاشی در حفاظت از جان و مال حجاج دریغ نکرده و اجازه نمی‌دهند که احدی به حجاج و زوار، ظلم و ستمی روا دارد. شاه ایران نیز فرمان داد که از هر نفر (جز در موارد استثناء) پنج سکه طلا، منهای آن سی سکه، گرفته شود و بر سبیل نذر و هدیه به شریف مکه پرداخت گردد تا رشته‌های محبت و الفت استوار شده و تسکینی باشد بر مشقتی که در این خدمت، شرفا متحمل آن می‌شوند. روش اخلاص و دوستی که آن دستگاه شریفه، با سلسله صفویه دارد؛ مقتضی است که در اکرام کردن به کاروان‌هایی که از راه بصره می‌آیند، کوتاهی نکند و دست اهل مکه را از تجاوز به آنان باز دارد؛ زیرا آنان میهمانان خدا و میهمانان شرفای مکه هستند و اکرام در حق میهمان از سنن اسلاف بزرگوار شرفا است و همچنین نباید شرفا و دولت عثمانی اجازه دهند که کسی حجاج را مجبور کند که از راه دیگری برگردند، چون در سال‌های پیش، از این بابت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شاه سلیمان و حکم تحریم راه بصره

در دوره شاه سلیمان برای مدتی از صدور اجازه حرکت زوار به سوی عربستان خودداری شد، این اقدام بیشتر به خاطر بد رفتاری‌های مکرر با زوار و حجاج در قلمرو عثمانی بود و زائران و حجاج ایرانی در راه بصره متضمن ضررهای مالی و جانی زیادی می‌شدند و مالیات و عوارض سنگینی پرداخت می‌نمودند. بنابراین شاه سلیمان راه بصره را تحریم نمود و دستور داد که حجاج از راه‌های دیگر به سفر مکه و زیارت بیت‌الله نائل شوند. اتخاذ این گونه تصمیمات از طرف ایران، مردم عثمانی و بویژه بصره را از درآمدهای زیادی که از این طریق کسب می‌نمودند، محروم کرد و زندگی قاطبه مردم بصره گرفتار سختی و تنگدستی شد. به همین دلیل امیرالحاج عثمانی همراه با فرستاده متشخصی که حامل نامه پاشای بصره بود، به اصفهان رفتند. هدف از رفتن به دربار آن بود که شاه سلیمان، حکم تحریم راه بصره را، ملغی نماید. در آن جلسه امیرالحاج عثمانی ملتزم و متعهد شد که از آن پس هیچ یک از زائران و حجاج ایرانی از مأموران بصره گله و شکایتی نداشته باشد. امیرالحاج در این مورد چندان پافشاری نمود تا استدعایش پذیرفته شد و دولت عثمانی متعهد شد، کسانی را که سبب آزار و اذیت زائران ایرانی گردند به سختی مجازات کرده و موجبات آسایش و رفاه حجاج و زائران راه بصره را فراهم نماید و قول داد، از این پس حجاج می‌توانند بدون نگرانی از پرداخت مالیات و عوارض سنگین و دیگر مزاحمت‌ها و آزار و اذیت‌ها با خیال آسوده از این مسیر به مکه بروند. از روز بعد، در بازار کهنه اصفهان، خیمه‌ای بر پا کرده و اعلام کردند هر کس مایل به زیارت خانه خداست، می‌تواند نام نویسی کند. (شاردن، ۱۳۷۴، ص ۶۱۶)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شرایط هر چه بهتر گزاردن این فریضه الهی را فراهم نماید و از دولت عثمانی که خود را خادم حرمین شریفین می‌دانند بعید است که در اخذ مالیات و عوارض با عناوین مختلف این گونه بدعت می‌کنند؛ لذا باید فرامینی صادر شود که این بدعت‌ها مرتفع شده و از میان برود و موظفند، از حجاج بیت‌الله، بیش از یازده اشرفی که از قدیم مقرر بوده، بیشتر مطالبه نمایند و شخصی مطمئن را به عنوان امیرالحاج انتخاب کرده که ایشان را مساعدت کند. (نوایی، ۱۳۶۳، صص ۱۷۳-۱۷۶)

از متن این نامه دریافت می‌شود که دولت صفوی در مورد حج از عثمانی‌ها متوقع بوده، زیرا آنها خود را «خادم الحرمین الشریفین» و سرور جهان اسلام می‌خواندند و لازم بود راه‌های حج را باز گذاشته و امنیت جانی و مالی حجاج و زوار بیت‌الله الحرام را تأمین نموده و با عناوین مختلف پول و مالیات بیش از اندازه از حجاج شیعه ایرانی، دریافت نکنند.

در این دوره، سیاست شاه عباس در مورد سفر حج به کنار گذاشته شده بود و پول‌های هنگفتی بابت این سفرها، از کشور خارج شد و نیز شمار ثروتمندان و متمکنین افزایش یافته و آرامش در روابط سیاسی بین دو دولت ایران و عثمانی از دوره‌های قبل بیشتر برقرار شده بود؛ لذا شمار حجاج ایرانی در این دوره بیش از گذشته بوده و رفت و آمد خواجگان و درباریان صفوی به حج افزایش داشت. (صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۸۴۴)

در اواخر سال ۱۱۱۴ هـ ق/ ۱۷۰۳ م، که زوار و مقامات عالی رتبه صفوی در تدارک سفر حج بودند، قیمت دوکا (از مسکوکات هلندی است و در ونیز متداول بوده، به طوری که از نوشته‌های ونیزی برمی‌آید، هر دوکا در دوره شاه طهماسب، پنج بیستی «بیست دیناری»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

میرویس شخصی بود ثروتمند و خوش سلوک و این خوش سلوکی او با بزرگ منشی عوام فریبانه‌ای همراه بود که باعث جذب مردم خرده پا و ساده لوحی می‌شد که همیشه فریب این ظواهر را می‌خوردند. و این مسأله باعث شد که او در اصفهان به خانه همه بزرگان راه یافته، چنانکه وزیر یا بزرگی نبود در اصفهان که میرویس به خانه‌اش نرفته باشد و از او به خوبی پذیرایی نشده باشد. او زیرکانه و با خوش سلوکی پیش‌کش‌های گران‌بها، پارچه‌های لطیف زریفت، شال‌های کشمیری تقدیم درباریان و مقامات می‌کرد. (کروسینسکی، ۱۳۶۳، ص ۳۵) و بدین وسیله توانسته بود در نزد صفویان از اعتبار بی‌مانندی برخوردار شده، حتی به شخص مورد اطمینان شاه مبدل شود؛ و اما او در قبال این نیکی‌ها سودای دیگری در سر می‌پروراند و تیشه بر ریشه حکومت صفوی زد.

میرویس، از افغانه غلزایی و سنی مذهب بود و کمال تنفر از دولت صفویه داشت و خوب می‌دانست که پیوندی محکم‌تر و استوارتر از دین و مذهب وجود ندارد؛ از این رو شورش خود را علیه دولت صفویه به یک شورش مذهبی تبدیل کرد و برای اتحاد قبایل غلزایی و افغانه سنی و همچنین مشروعیت بخشیدن به شورش خود نیاز به یک فتوی داشت که بتواند از این طریق افراد بی‌طرف را به خود جلب نماید. (محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری، ۱۳۷۳، ص ۳۵)

میرویس پس از مدتی که در ایران بود، عازم سفر حج گردید.

«سفر حج میرویس را باید نخستین ضربه‌وی به پادشاهی ایران و آغاز همه واقعه‌های

تاریخی دانست که به سرنگونی آن انجامید.» (دوسرسو، چ اول، ص ۹۴)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

با ملت شیعه مذهب صفویه خصومت دیرینه داشته‌اند به نفع سنی مذهبیان سنگ تمام گذاشت. عثمانیان چنان از شیعه نفرت داشتند که از آنها به عنوان رافضی نام می‌بردند و آشکارا اعلام می‌کردند که کشتن چهل ایرانی که دارای مذهب شیعه باشند، گناه آن از کشتن یک مسیحی کمتر است؛ علاوه بر این فقهای سنی مذهب مکه و مدینه و سرزمین عثمانی، سیاست مذهبی شاه عباس را نیز بهانه قرار داده بودند که مردم را از رفتن به مکه و گزاردن حج باز میدارد و زیارت مشهد رضوی علیه السلام را تشویق می‌نماید. (پیشین، ۱۳۶۳ صص ۳۵-۳۶) بخشی از فتوی، علیه دولت شیعه صفوی:

«به استناد اختیاراتی که از پیغمبر صلی الله علیه و آله به ما رسیده، به علت شرارت و بی‌ایمانی شما، با صدای رسا اعلام می‌کنیم که هر مؤمنی از هر ملتی که باشد در کشتن و نابود کردن شما از صحنه روزگار آزاد می‌باشد. اگر کسی یک عیسوی یاغی را بکشد با این کار خشنودی خداوند را جلب می‌نماید، در واقع با کشتن یک ایرانی هفتاد بار پاداش بهتری خواهد یافت.» (دوسرسو، ۱۳۹۱، ص ۸۷)

میرویس توانست با گرفتن فتوایی با این مضمون از علمای سنی، مشروعیتی به شورش خود علیه صفویان بدهد؛ که، نقض کردن سوگند وفاداریش نسبت به شاه شیعی مشروع است. (سیوری، چ اول، ص ۲۴۳) میرویس پس از گرفتن فتوی به اصفهان برگشت و با هدایا (عطر و مشک عربستان) به دربار آمد و در این زمان سفیر روسیه در ایران بود. (دوسرسو، ۱۳۹۱، صص ۸۷-۸۹)

در خصوص مأموریت سفیر، شایعات بسیاری بود. مقامات درباری در باره مأموریت سفیر روسیه با میرویس مشورت کردند. او نیز از این آشفتگی‌ها به نفع خویش استفاده نمود و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیصد تومان برای سفر حج از کشور خارج شد. (خاتون آبادی، ۱۳۵۲، ص ۵۰۴) عبدالحسین بن محمدباقر بن میر اسماعیل بن میر محمدباقر، در اواخر عمرش به زیارت بیت‌الله الحرام رفت و در سال ۱۰۶۰ هـ ق، دار فانی را وداع گفت. (خاتون آبادی، ۱۳۵۲، ص ۵۱۷)

سال ۱۰۷۲ هـ ق در قافله ایرانی‌ها، طبیب، دایه شاه، حاجب و وزیرش حضور داشتند، آنها یک ماه در مدینه ماندند و ماندن طولانی‌شان در مدینه، سبب بالا رفتن قیمت علوفه شد. چهارپایان آنها در سمت احد و ناحیه شرقی ضررهای زیادی به مزارع، نخل‌های کوچک و دیگر درختان، وارد کردند. (امحزون، بی تا، صص ۱۹۰-۱۹۱-۱۸۷-۱۸۹)

سال ۱۰۸۹ هـ ق، محمد هاشم، پس از بجا آوردن فریضه حج، روانه مدینه شد و در آنجا مورد ضرب و شتم سنیان قرار گرفت و سپس حبس شد. وی پس از رهایی از زندان، هنگام مراجعت به وطن، با قافله شام همراه شد و بین راه درگذشت. (مشیزی، ۱۳۶۹، صص ۴۶۹-۴۷۰)

سال ۱۱۱۵ هـ ق، شمار فراوانی از درباریان، من جمله میرزا محمد باقر، حکیم باشی جهت زیارت خانه خدا به عتبات عالیات و مکه سفر کردند. (صفت گل، ۱۳۸۱، ص ۹۵)

میرزا محمدتقی (وزیر وقت) و میرزا حسن، (صاحب رقم) نیز به زیارت بیت‌الله الحرام رفتند، همچنین میرزا ابوالحسن، مستوفی الممالک در همین سال‌ها عازم حج شد. (پیشین، ص ۹۶) میرزا محمد صالح شیرازی، در ذی‌الحجه سال ۱۱۱۶ هـ ق، از راه شام به حج رفت و تدریس در مدرسه‌ای را که به او محول بود، به امیر محمدباقر تفویض نمود. (خاتون آبادی،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

در دوره ضعف و زوال حکومت صفویه و پس از عهدنامه ذهاب (قصرشیرین) که بین شاه صفی و سلطان مراد چهارم به امضا رسیده بود، به تدریج اختلافات مذهبی کاهش پیدا کرد و دوره‌ای از آرامش بین دو دولت بوجود آمد.

معاهدات و قراردادهای فی مابین در تنش‌زدایی مؤثر بوده، پادشاهان صفوی در اکثر معاهده‌های خود با دولت عثمانی بر امنیت راه‌ها و تأمین جانی و مالی حجاج و در نظر گرفتن امکانات برای حجاج و زائران ایرانی تأکید می‌کردند. در دوره شاه عباس دوم و شاه سلیمان از حرکت زوار به سوی عربستان جلوگیری می‌شد و این اقدام بیشتر به سبب بدرفتاری مکرر با حجاج و زوار در قلمرو عثمانی بوده است. نامه شاه عباس دوم به شریف مکه و تحریم راه بصره توسط شاه سلیمان، شاهد این مدعا است.

نامه‌هایی که بین صفوی و عثمانی رد و بدل می‌شد، مسأله حج و رسیدگی به حجاج ایرانی در متن آن به وضوح گنجانده شده بود و حج هرچند وجهه عبادی داشت اما وجهه دیگر آن سیاسی بود که اتحاد و وحدت بین مسلمانان سایر فرق اسلامی را در مقابل غیرمسلمانان و کشورهای اروپایی که دشمن مشترک صفویان و عثمانی‌ها بودند، بیشتر کرده و نمایان می‌کرد و مانور سیاسی قدرت مسلمانان در مقابل غیرمسلمانان، بلاخص دشمن مشترک صفویه و عثمانی بود.

با توجه به عهدنامه‌ها و قراردادهایی که بین صفویه و عثمانی به امضاء می‌رسید، در می‌یابیم که مسئله حج برای شیعیان و شاهان ایرانی امری مهم بوده و ایرانیان هنگامی که به



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- . ثابتیان، ذبیح الله (۱۳۴۳)، اسناد و نامه های تاریخی دوره صفویه، تهران: وزارت فرهنگ.
- . جعفریان، رسول (۱۳۷۲)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- . جعفریان، رسول (۱۳۸۲)، مقالات تاریخی، دفتر دوازدهم، چند گزارش از سفرهای حج دوره صفوی، قم: انتشارات دلیل ما.
- . _____ (۱۳۷۲)، مکافات نامه، بی جا، نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- . دوسرسو، (۱۳۶۴) سقوط شاه سلطان حسین، ترجمه ولی الله شادان، تهران: کتاب سرا.
- . دیانت، ابوالحسن، (۱۳۶۷) فرهنگ تاریخی سنجش ها و ارزش ها، تبریز: نیما.
- . سیوری، راجر، (چ اول)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- . شاردن، ژان، (۱۳۷۴)، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- . صفت گل، منصور، (۱۳۳۹)، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- . قدوسی، محمدحسین، نادرنامه، مشهد: نشریه انجمن آثار ملی خراسان.
- . کروسینسکی، (۱۳۶۳) سفرنامه کروسینسکی، ترجمه عبدالرزاق دنبلی مقتون، مصحح مریم میراحمدی، تهران: توس.
- . متی، رودلف پ، (۱۳۸۷) اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- . مستوفی، محمد حسن، (۱۳۷۵) زبده التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- . مشیزی، محمد سعید، (۱۳۶۹) تذکره صفویه کرمان، به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
- . نامه شاه عباس دوم به شریف مکه در خصوص مشکلات حجاج و مسیر بصره، نسخه خطی، کتابخانه مرعشی نجفی، مکاتبات، شماره ۱۱۶۳۹.
- . نصیری، محمد ابراهیم بن زین العابدین (۱۳۷۳)، دستور شهیاران، مصحح محمد نادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- . نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۰) اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ق، همراه با یادداشت های تفصیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.